

مرگ کلمات هولدر

خونِ انگِستانم
سنگ‌های داغ را روشن می‌کند.
چون دریچه‌ی مرگ
آن سوی دره‌ای تهی
زنی سوگوار فریاد می‌زند
به حرفِ بیا دخترِکِ زخمی
این واژه‌های پایانی ات را!

می‌اندیشم با آن راه پر پیچ خم سیاهی

که پدر را پیر نشده کشت.

به دست نیافتنی‌های از دست رفته.

کدامین حرف؟

همان بیهودگی‌های تباه شده،

مثل کلماتی که از گلوی مردی گرسنه خارج شدند، تا تمام شود؟

بگو با دستانم آشنایی؟

دیگر چه کسی اشک خواهد ریخت بر کلماتی که عمق رنج را به سخره

گرفته‌اند؟

کدامین حقیقت کلمات را از ابتذال نجات خواهد داد؟

وکدامین اندیشه ی ژرف

ما را از غرق شدگیِ سطحی؟

تنها به مادرم بگویید به سراغم بیاید،

کمی واژه در قالب اشک دارم

که می توانم بیان کنم،

که می تواند باور کند،

چرا که او

یگانه فهم من از هستی بود.

او به فراتر از درک انسان رسیده بود

فهم او از شکوفه های بادام

و سنگ ریزه های کوهستان

و گل های وحشی بیابان

و انسان تکیده بر آسفالت داغ

و کارگر سرخ شده ی تهی دست

دیگرگونه بود .

ادامه می دهم

و خود را

فرو میکنم

در دیواری سنگی؛

پوست انگشتانم تمام شده‌اند،

استخوان‌هایم را نوازش میکنم

رنگ سنگ‌ها چون لاله‌های سرخ می‌درخشند.

آری

در گوش‌هایم کلمه بریزید

همان کلمات تهی شده

همان نامفهوم‌ترین‌ها

که پیش از اینها

بدون تن نیز نامفهوم‌ترین بودند.

چشم باز میکنم

آیا به تکاملِ درد رسیدم؟

همچون سنگِ بالغی که رنگِ زندگی گرفته

یا چون بلوطی که خود را زاییده؟

و یا چون شکوفه‌ای که پیش از تولد با باد می‌رود،

و یا شاید همان ابر عقیمی که موجودیت خویش را فراموش کرده.

لیک چون زخمی بی‌خواب با چشمانی فرو رفته

و دستانی عمومی!

روی برگ‌های خشک سقوط می‌کنم.

بر من بیخشاید سکوت را که پیش از اینها به کلمات رنج بی‌اعتماد

و به شنونده‌ی آنها

و آن اندام ساخته شده از کلمات دروغین

روزنامه

منتشر شده در صفحه ۴ از شماره ۲/۲ **روزنامه**
دوشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۴، ۲۴ مارس ۲۰۲۵

سایت:

www.Ruzname.org

ایمیل:

RUZNAME2@gmail.com

اینستاگرام:

https://www.instagram.com/ruzname_2

تلگرام:

https://t.me/RUZNAME_2

یوتیوب:

<http://www.youtube.com/@Ruzname-2>

کلاب هاوس:

<https://www.clubhouse.com/house/روزنامه>